

معرفی و نقد کتاب:

### نژاد و قومیت (فرهنگ، هویت و بازنمایی)\*

«استفن اسپنسر»، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شفیلد هالام<sup>۱</sup> می‌باشد. وی در سال ۱۹۹۱ م. به ایالات متحده آمریکا، مکزیک و حوزه کارائیب مسافرت کرد و تحقیقات خود را در زمینه هویت قومی در گویان کامل نمود. اسپنسر نویسنده مقالات و کتاب‌های متعددی است که یکی از آنها «هویت قومی در گیانا» نام دارد و توسط انتشارات دیدو<sup>۲</sup> به چاپ رسیده است. کتاب دیگر وی نیز «هویت اجتماعی: رهیافت‌های چندرشته‌ای» می‌باشد که با همکاری «گری تیلور»<sup>۳</sup> نوشته شده و انتشارات راتلج آن را منتشر نموده است (۱). کتاب «نژاد و قومیت (فرهنگ، هویت و بازنمایی)» که در ادامه به معرفی آن پرداخته می‌شود، از جمله آثار اسپنسر است که در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر شده و دربرگیرنده ۲۳۷ صفحه می‌باشد.

#### معرفی

کتاب «نژاد و قومیت»، دارای یک مقدمه و ۹ فصل می‌باشد که فصل نهم آن در واقع همان نتیجه‌گیری مباحث ارائه شده در کل کتاب است. نویسنده در مقدمه بیان می‌دارد که هدف کتاب حاضر این است که معانی، تصاویر، بازنمودها و تعاریف نسبت داده شده به گروه‌ها و اقشاری که به واسطه نژاد و یا قومیت از یکدیگر متمایز می‌شوند را مورد بررسی قرار دهد و این امر نیز از طریق تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از سراسر جهان و نمونه‌هایی که در زندگی روزمره وجود دارند، صورت می‌گیرد. استرالیا، مالزی، حوزه کارائیب، مکزیک و بریتانیای کبیر، نمونه‌هایی

\* Stephen Spencer, *Race and Ethnicity (Culture, Identity and Representation)*, (London and New York: Routledge, 2006), 237P.

1- Sheffield Hallam

3- Gary Taylor

2- Dido

هستند که نویسنده از سراسر جهان برمی‌شمرد و مؤلفه‌های نژادی و قومیتی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. همچنین مباحثی مثل منازعات قومی، نژادگرایی، سیاست چندجانبه‌گرایی، اقوام پراکنده، پناه‌جویان، آوارگان، هویت‌های دورگه، نژادهای ادغام شده و مانند آن مباحثی هستند که ما در زندگی روزمره با آنها سروکار داریم و نویسنده به تبیین و بررسی و تجزیه و تحلیل این مفاهیم نیز می‌پردازد (۲).

**فصل اول** کتاب، «بازنمایی» نام دارد. در این فصل بر کاربست روش بازنمایی مباحث و تصاویر مربوط به نژاد و قومیت تأکید شده و فرایندی که به وسیله آن معنای «ما» و «دیگری» ساخته می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در این فصل از کتاب بر این اعتقاد است که جهان اجتماعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، سرشار از نشانه‌ها، تصاویر و تعاریفی است که از طریق وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌شوند و در همه سطوح روابط اجتماعی ما نفوذ می‌کنند. بنابراین برخی از ابعاد هویت «ما» و «دیگری» به وسیله رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی شکل می‌گیرد. نویسنده بیان می‌دارد که واقعیت‌ها، اگرچه به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند، اما ظاهری طبیعی دارند. یکی از این واقعیت‌ها، هویت‌های «ما» و «دیگری» است که به صورت اجتماعی ساخته شده اما به صورت نظم طبیعی ظاهر می‌شود (صص ۲۸-۲۹). بنابراین نویسنده در این فصل بیان می‌دارد که مفاهیم «ما» و «دیگری» به صورت اجتماعی و در طول تاریخ ساخته می‌شوند و امری از پیش موجود، ایستا و ثابت نیستند.

در **فصل دوم** کتاب با عنوان «سیاست نام‌گذاری (نامیدن)»، نویسنده به مشکل نام‌گذاری در رابطه با مفاهیمی همچون نژاد، قومیت و نژادگرایی می‌پردازد. از نظر وی در بیشتر مواقع مشکل نام‌گذاری و تعریف مفاهیم نژاد، قومیت و نژادگرایی به این علت است که قومیت، نژاد و نژادگرایی به عنوان نوعی تجربه، هرگز مفاهیمی ایستا و ثابت نبوده‌اند و ارائه یک‌سری مفروضه‌های مبتنی بر تعاریف ثابت و ایستا برای این مفاهیم اشتباه است. معنای «دیگری» در طول زمان، به وسیله بسترهای اجتماعی تغییر می‌کند و در طول زمان این مفهوم بر مبنای ایدئولوژی‌ها و مباحث سیاسی ساخته می‌شود. به عنوان نمونه یک تغییر قابل توجه در تعریف مفهوم نژاد، تغییر از دیدگاه‌های ذات‌گرایانه‌تر و مؤلفه‌های تعیین‌کننده بیولوژیکی به دیدگاه سیاست هویت مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی می‌باشد که اخیراً مطرح شده است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت نویسنده در این فصل از کتاب، بر این عقیده است که قومیت و نژاد را همانند دیگر واژه‌های مورد استفاده در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی، به سختی می‌توان

تعریف نمود. چرا که معنای این واژه‌ها به مرور زمان و در طول تاریخ دچار تغییر شده و معانی جدیدی برای آنها ارائه شده است. بنابراین ارائه تعریفی ثابت و مشخص برای این مفاهیم و طبقه‌بندی معین از آنها بسیار مشکل است (ص ۵۳).

**فصل سوم، «استعمارگری: تاریخ غیرقابل مشاهده»** نام دارد. به عقیده نویسنده هدف از ارائه این فصل، بیان یک‌سری نمونه‌های گویا از تاریخ استعمارگری می‌باشد. نمونه‌های گویایی از تاریخ و میراث استعمارگری که مبنای روابط قومی معاصر بوده است. اسپنسر در این فصل به بررسی مفهوم برده‌داری می‌پردازد. از نظر وی، برده‌داری به صورت عام نهادی بسیار قدیمی است که از دوران پیش از تاریخ تا زمان حال ادامه یافته است؛ اما برده‌داری نژادی یک جنبش نسبتاً متأخر و منحصر به فرد است که در رابطه با استعمارگری سربرآورد. برده‌داری به مدت دو قرن، هجوم و تسلط نسبی را برای کشورهای غربی به همراه داشته و در عین حال، توسعه‌نیافتگی مناطق آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی نیز از دیگر پیامدهای آن بوده است (ص ۷۳). در ادامه نویسنده بیان می‌دارد که در طول ۲۵ سال گذشته، استعمارگری جدید، شکاف میان غرب و غیرغرب را افزایش داده و طرح‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، غرب را قادر ساخته است تا به طور فزاینده از ملت‌های فقیر جهان بهره‌برداری کند. وی در این فصل از کتاب به ارائه نظریات دوبویس<sup>۱</sup> و فانون<sup>۲</sup> می‌پردازد که معتقدند استعمارگری علاوه بر تأثیرات مادی، که موجب نوعی شکاف عظیم مادی میان غرب و غیرغرب شده است، یک شکاف روانی، ذهنی و روحی عمیق نیز میان غرب و غیرغرب شکل گرفته است که البته چندان آشکار نمی‌باشد (ص ۷۴).

در **فصل چهارم** با عنوان «نظریه‌های نژاد و قومیت»، تلاش می‌شود تا برخی رهیافت‌های نظری که در فهم مفاهیم نژاد و قومیت کاربرد دارد، ارائه شود. این رهیافت‌های نظری عبارتند از ابزارگرایی، ذات‌گرایی، نظریات مرتبط با جوامع متکثر، نظریه‌های مارکسیستی، نظریه‌های وبری و نثووبری، تعامل‌گرایی نمادین و فمینیسم (ص ۱۱۳). هدف از ارائه این رهیافت‌ها این است که نشان داده شود که هر کدام از آنها فقط می‌توانند برخی از جنبه‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با مفاهیم نژاد و قومیت را توضیح دهند و این مفاهیم بسیار پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان در قالب نظریات و رهیافت‌های نظری آنها را تقلیل داد. نکته دیگر اینکه نژادگرایی، نتیجه گفت‌وگوهای



اجتماعی و سیاسی هستند که در طول زمان و مکان تغییر می‌کنند. بنابراین به نظر نویسندگان مطالب و نکاتی که دیدگاه پسا ساختارگرایی و فمینیستی ارائه می‌کنند، به علت آنکه دربرگیرنده ابعاد ساختارهای اجتماعی و تأثیر آن ساختارها بر سوژگی فردی می‌باشند، اهمیت بیشتری نسبت به دیگر رهیافت‌های نظری دارند.

در حالی که فصل چهارم به بررسی نظریات و تبیین‌های مادی و اقتصادی مرتبط با مفاهیم نژاد و قومیت می‌پردازد، فصل پنجم با عنوان «هویت: صداهای حاشیه‌ای و سیاست تفاوت»، بیان‌کننده قرائت‌های پست‌مدرن و پسااستعماری از قومیت و نژاد می‌باشد که در آنها بر نحوه اجتناب از اتخاذ دیدگاه‌های ذات‌گرایانه و عام در مورد هویت «دیگری» تأکید می‌شود. طبق برداشت‌های پست‌مدرن و پسااستعماری از هویت، نوعی «چرخش فرهنگی» در صورت‌بندی نظری از نژاد و قومیت وجود دارد. این رهیافت به نحو آشکاری در آثار افرادی چون رکس<sup>۱</sup> و دیگران قابل مشاهده است و افرادی همچون هال<sup>۲</sup> و گیلروی<sup>۳</sup> که ایده‌های پست‌مدرن و پسااستعماری را در کارهای خود به کار گرفته‌اند، آن را مورد تصدیق قرار داده و گسترش بخشیده‌اند. از دید این گروه از افراد، هویت قومی و اشکال منحصر به فرد جنس‌گرایی و نژادگرایی به عنوان یک‌سری نشانه‌های فرهنگی در درون جوامع ظهور یافته (ص ۱۱۵)، و به حاشیه رانده شده‌اند؛ در حالی که این هویت‌های به حاشیه رانده شده در درون جوامع وجود دارند و باید آنها را مورد ملاحظه قرار داد. این رهیافت و قرائت، رهیافتی تفاوت‌گرایانه و تکرارگراست و به صداهای حاشیه‌ای نیز توجه و سیاست تفاوت را ارائه می‌نماید.

**فصل ششم، «مطالعه موردی: استرالیایی‌های بومی»** نام دارد. در این فصل نویسنده به بررسی موقعیت و جایگاه اقوام بومی ساکن داروین<sup>۴</sup> در استرالیای شمالی می‌پردازد و یک‌سری واقعیت‌ها را در مورد این اجتماع بومی استرالیا آشکار می‌سازد. نویسنده بیان می‌دارد که استرالیا دارای میراث بومی پیچیده‌ای است و صدها گروه بومی با زبان و سنت متفاوت در این کشور به سر می‌برند. در عین حال نویسنده، اقوام بومی ساکن در داروین را به عنوان محور مطالعه موردی خویش قرار می‌دهد؛ چرا که جمعیت بیشتری از مردمان بومی را نسبت به دیگر ایالت‌های استرالیا در درون خود جای داده است. به رغم این ویژگی با گروه مزبور به صورت نابرابر برخورد می‌شود و آنها در حاشیه شهر

1- Rex

3- Gilroy

2- Hall

4- Darwin

به نحو بسیار اسفباری در خانه‌های محقر با امکانات محدود و یا اردوگاه‌ها و چادرهایی با امکانات کم زندگی می‌کنند (ص ۱۶۷). همین امر سبب به وجود آمدن منازعه میان آنها و اجتماع سفیدپوست و نگرانی حکومت محلی از چهره نامطلوب شهر و متعاقب آن صدمه به صنعت توریسم شده است. به نظر نویسنده علت اصلی این وضعیت که گریبانگیر مردم بومی شده است، استعمار خارجی و داخلی می‌باشد (ص ۱۳۶). نکته دیگری که در رابطه با این فصل از کتاب می‌توان به آن اشاره داشت، این است که نویسنده دیدگاه‌ها و رهیافت‌های نظری ارائه شده در فصول چهارم و پنجم را در این فصل برای بررسی وضعیت این گروه از بومیان استرالیا مورد بررسی قرار می‌دهد که برخی از آنها عبارتند از: نظریه انتخاب عقلانی، تعامل‌گرایی نمادین، پست‌مدرنیسم، نظریه نخبگان، رهیافت‌های مارکسیستی، رهیافت‌های وبری و نظریه جامعه متکثر.

در **فصل هفتم** با عنوان «منازعه» به بررسی منازعه در جوامعی که به لحاظ قومی تقسیم شده و یکدست نمی‌باشند یا به تعبیر دیگر جوامع متکثر قومی، پرداخته می‌شود. در این فصل به تحقیق و بررسی دو نمونه از جوامع متکثر قومی یعنی گیانا (آمریکای جنوبی) و مالزی پرداخته می‌شود. یکی از انگیزه‌های ارائه این فصل، نشان دادن این موضوع است که تصورات، کلیشه‌ها و دیگر بازنمایی‌ها مظهر تفاوت‌های سیاسی هستند و در موقعیت‌های مختلف به نحو متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در **فصل هشتم** با عنوان «زنده نگه‌داشتن ناهمسازی»، مباحث مربوط به اقوام پراکنده، چندرگه بودن و پاسخ‌های چندفرهنگی به تنوع و تکثر قومی، ارائه می‌شود. به‌زعم نویسنده در برخی جوامع، انطباق و سازگاری این گروه از اقوام پراکنده و چندرگه با اکثریت جامعه از طریق فرایند شهروندی صورت می‌گیرد. در برخی شرایط دیگر که چنین مبنایی وجود ندارد، گرایش‌های رو به رشد قومی با در پیش گرفتن سیاست‌های از خودبیگانگی که با هدف حذف و محو تفاوت‌های فرهنگی، انجام می‌پذیرد، مهار شده است.

چندفرهنگ‌گرایی همواره مفهومی بحث‌برانگیز بوده است. به‌رغم دیدگاه خوش‌بینانه‌ای که بر فراهم نمودن هماهنگی بین‌اقومی تأکید دارد، این واژه همچنان با بحث‌ها و مجادلاتی همراه بوده و مشکلات و مسائلی که جوامع چندقومی با آن مواجه هستند، به واسطه همین امر، فزونی یافته است. این فصل، نقوذپذیری مرزهای قومی و همچنین احتمال ظهور هویت‌های قومی را مشخص می‌سازد.

در **فصل نهم** با عنوان «چشم‌اندازهای آتی»، تأثیرات و پیامدهای ظهور آشکال



نوظهور فرهنگی در طیف‌های گوناگون آن، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. سه‌گونه از آشکال نوظهور فرهنگی و معانی اجتماعی که از طریق این آشکال بازنمایی می‌شوند، به طور خلاصه مورد بحث قرار گرفته‌اند. این سه عبارتند از روابط نژادهای ادغام شده، فضای مجازی و تروریسم.

نویسنده در مورد نژادهای ادغام شده، به عنوان گونه نوظهور فرهنگی بیان می‌دارد که در فرایند جهانی شدن که به واسطه آن گرایش‌های عام‌گرایانه و خاص‌گرایانه ظهور یافته‌اند، نوعی ارتباط و تعامل بین اقوام و نژادهای متفاوت، فراهم شده است و به واسطه تضعیف روابط میان ملت و دولت، شاهد ظهور گرایش‌های قوم‌پسندی هستیم که درصدد بازسازی مرزهای هویتی خویش هستند (صص ۲۱۸-۲۲۰).

نژادهای ادغام شده، در این معنا، ناظر بر روابطی است که به واسطه گسترش ارتباطات جهانی فراهم شده و زمینه را برای کم‌رنگ شدن مفاهیمی نظیر نژاد ناب<sup>۱</sup> فراهم نموده است؛ به طوری که در انگلستان که بالاترین نرخ روابط بین نژادی را در جهان غرب دارد، یکی از والدین ۵۰ درصد از همه کودکان سیاه‌پوستی که متولد می‌شوند، سفیدپوست می‌باشد. استدلال نویسنده این است که جدای از آنکه ما چنین امری را به عنوان چندفرهنگی مثبت ببینیم یا خیر، واقعیت این است که روابط پیچیده نژادی بخشی از واقعیت‌های زندگی می‌باشند.

در ارتباط با فضای مجازی و گسترش اینترنت نیز اسپنسر بیان می‌دارد که برخی بر این اعتقادند که فضای مجازی، آرمان‌شهری پسانژادی است که در آن افراد فارغ از نژاد، جنسیت و یا قومیت، از شبکه اینترنت بهره‌مند می‌شوند و در فضای فارغ از ارزش‌گذاری به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. از سوی دیگر، برخی نیز بر این اعتقادند که فضای مجازی باعث فراهم شدن فضای لازم برای برخی گروه‌های نژادپرست شده و فعالیت‌های آنها نیز گسترده‌تر می‌شود (صص ۲۲۶-۲۲۸).

فضای پس از ۱۱ سپتامبر نیز از جمله مواردی است که نویسنده در آن به ارزیابی مسایلی می‌پردازد که در پرتو آن مسلمانان به نحوی گسترده به عنوان یک «غیر» یا «دیگری» در معرض اتهام قرار می‌گیرند. تئوری‌هایی نظیر برخورد تمدن‌ها یا جنگ بر علیه تروریسم در واقع به معنای کاربرد ابزارهای نظامی در مقابله با تهدید تمدن‌های خطرناک می‌باشد؛ تمدن‌هایی که برتری (سلطه) فرهنگی آمریکا را نمی‌پذیرند (صص ۲۳۰-۲۳۲).

### نقد شکلی

در بررسی کتاب از بُعد شکلی چهار نکته را می‌توان بیان داشت:

- ۱- اثر حاضر، دارای انسجام و پیوستگی می‌باشد. چرا که کتاب مقدمه و نتیجه‌گیری دارد و به علاوه هر کدام از فصول نیز با یک مقدمه آغاز می‌شود.
- ۲- دوم اینکه نویسنده در پایان هر فصل خلاصه‌ای از مباحث ارائه شده را بیان کرده و پس از آن یک‌سری سؤال‌ها و تمرین‌ها را برای فهم بهتر مطالب توسط دانشجویان این رشته ارائه می‌نماید که این امر بر اهمیت این اثر افزوده است.
- ۳- در این کتاب نویسنده سعی نموده است از منابع دست اول حوزه مطالعاتی نژاد و جنسیت استفاده کند و به‌کار بردن حدود ۴۴۰ منبع بر غنای اثر افزوده است.
- ۴- و بالاخره اینکه در پایان کتاب مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار گرفته شده در کتاب همراه با معانی و توضیح‌های مربوط به آن واژه‌ها و اصطلاحات، ارائه شده است که همین امر سبب رفع ابهام احتمالی خواننده اثر خواهد گردید.

### نقد محتوایی

در مورد بررسی کتاب از بُعد محتوایی نیز به دو نکته می‌توان اشاره داشت:

- ۱- با مطالعه کلی اثر می‌توان به این جمع‌بندی رسید که نویسنده تلاش نموده است کتاب را به دو بخش تقسیم نماید. در بخش اول کتاب که دربرگیرنده فصول اول تا پنجم می‌باشد، به بررسی مفاهیم اصلی و نظریه‌های مرتبط با نژاد و قومیت پرداخته شده تا خواننده را با مفاهیم نژاد، قومیت، نژادگرایی، پیشینه شکل‌گیری این مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی، خاستگاه این مفاهیم، دیدگاه‌های مختلف در مورد این مفاهیم و استدلال‌های پژوهشگران این رهیافت‌ها، به خوبی آشنا نماید و در بخش دوم کتاب که دربرگیرنده فصول ششم تا نهم می‌باشد، به بررسی مؤلفه‌های نژادی و قومیتی در کشورهای مثل استرالیا، مالزی، مکزیک و بریتانیای کبیر به عنوان نمونه و مباحثی مثل منازعات قومی، نژادگرایی، اقوام پراکنده، هویت‌های دورگه، نژادهای ادغام‌شده و مانند آن به عنوان مباحث مطرح در زندگی روزمره می‌پردازد و همین امر سبب انسجام و پیوستگی محتوایی اثر شده است.

- ۲- اگرچه تأکید بر مبانی نظری مربوط به نژاد و قومیت که در فصول چهارم، پنجم و ششم به‌کار رفته است، بر ارزشمندی اثر افزوده، اما نویسنده کتاب به صورت صریح و آشکار، مبانی نظری مورد پذیرش خود را بیان ننموده است. در عین حال با بررسی



مطالب نگاشته شده در کتاب می‌توان به این جمع‌بندی رسید که نویسنده رهیافت انتقادی به معنای عام آن که دربرگیرنده رهیافت‌های فمینیستی، پسااستخارگرا، سازه‌انگار، پست‌مدرن و پسااستعماری می‌باشد را مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ چرا که دائماً تأکید می‌کند که هویت «ما» و «دیگری» امری مسلّم و از پیش موجود نیست؛ بلکه در فرایند و در طول زمان و مکان ساخته شده و دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌گردد. بنابراین بهتر این بود که نویسنده از همان آغاز دیدگاه و مبانی نظری خویش را در مقدمه اثر بیان می‌نمود تا خواننده اثر با رهیافت نظری مورد پذیرش نویسنده به صورت خاص آشنا شود؛ چرا که نویسنده در فصل چهارم، نظریه‌های فمینیستی و پسااستخارگرایانه و در فصل اول به صورت ضمنی رهیافت سازه‌انگارانه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

### نقد روشی

در خصوص روش به کار گرفته شده در تألیف کتاب، می‌توان گفت که روش مورد استفاده، روش تحلیلی - توصیفی است. نویسنده سعی نموده تا با استفاده از مطالب موردی، نظری و مفهومی ذکر شده در فصول اول تا پنجم را مورد آزمون و بررسی عینی قرار دهد و همین امر سبب فهم بهتر مفاهیم و موضوعات مرتبط با نژاد و قومیت شده است.

در جمع‌بندی کلی می‌توان بیان داشت که این کتاب نه فقط در حوزه آکادمیک و دانشگاهی دارای اهمیت است، بلکه برای بررسی هویت اجتماعی در زندگی روزمره نیز مفید می‌باشد.

بهاره سازمند

E-mail: Sazmand\_bahareh@Yahoo.com  
bsazmand@ut.ac.ir

### منابع:

- 1- [http://www.amazon.fr/gp/product/0415351243/4.3-7035550-1782021?V=glance &n=52042011](http://www.amazon.fr/gp/product/0415351243/4.3-7035550-1782021?V=glance&n=52042011).
- 2- [http://www.shop.com/op/~Race\\_And\\_Ethnicity:\\_Identity,\\_culture\\_And\\_Society\\_&oprod\\_6176455#more](http://www.shop.com/op/~Race_And_Ethnicity:_Identity,_culture_And_Society_&oprod_6176455#more)